



مردی با آرزوهای دوربرد



سرمقاله

جنگ با دشمن صهیونی به بازوی توانمند هجومی ایران تبدیل و صدای کشیده‌هایش هم در تمام دنیا شنیده شد. طهرانی مقدم و یارانش در تمام این ۴ دهه، مصداق همان جمله‌ی طلایی خودش بودند: «فقط انسان‌های ضعیف به اندازه‌ی امکانات‌شان کار می‌کنند.» او و یارانش از دهه‌ی ۶۰ تا امروز عزینیت بیرونی انسان‌های نسل انقلاب اسلامی‌اند. انسان‌هایی که بدون هیچ منت و توقع، شانه‌زیر بار امانت الهی داده‌اند و در سکوت در مسیر قدرتمند کردن کشور قدم برمی‌دارند. به تعبیر حضرت روح‌الله (ره) در پیام شهادت شهید چمران، بی‌هیاهوهای سیاسی و خودنمایی‌های شیطانی، برای خدا به جهاد برخاسته و خود را فدای هدف کرده‌اند و نه هوی و این هنر مردان خداست و طهرانی مقدم هم یکی از هنرمندان تاریخ معاصر ایران. ■

تازه شروع مسیر بود. فرمانده‌ی سابق توپخانه که برای زدن بصره باید توپ‌های سنگین خود را تا نزدیکی خط دشمن منتقل می‌کرد، برایش یقین شده بود که صدام حریف دست‌گرمی است و باید به فکر قلعه‌های بلندتری بود. جنگ که تمام شد کار طهرانی مقدم تازه شروع شده بود. مسیری که از ابتدای ورود موشک‌های وارداتی به ایران و با موافقت حجت‌الاسلام خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت، برای باز کردن یکی از موشک‌ها و مهندسی معکوس آن شروع شده بود در دهه‌ی ۷۰ ادامه پیدا کرد تا در نهایت در هفته‌ی دفاع مقدس ۱۳۷۷ به رونمایی از اولین بالستیک ایرانی در برد اسرائیل برسد: شهاب ۳. در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با دشمن صهیونی و ۲۷ سال بعد از آن رونمایی بود که ثابت شد بلند نظری و بلند همتی طهرانی مقدم چقدر درست بوده است. نهالی که او و یارانش از اواسط دهه‌ی ۶۰ غرس کردند در

به تهران بازگشت. لیبیایی‌ها برای تسویه حساب شخصی خودشان با صدام یک تیم نظامی هم همراه موشک‌ها فرستاده بودند تا از فرصت جنگ تحمیلی برای مخاصمه‌ی خودشان با صدام سوء استفاده کنند. همراهی لیبیایی‌ها با ایران چندان دوام پیدا نکرد و زمستان دو سال بعد در سال ۶۵ دست از کار کشیدند و با خرابکاری در موشک‌های باقیمانده کار را رها کردند. در اوج جنگ شهرها نوبت به طهرانی مقدم و تیمش رسیده بود که در تمام این مدت چراغ خاموش به‌عنوان تیم پشتیبانی به لیبیایی‌ها خدمت می‌دادند بدون اینکه آنها متوجه شوند یک تیم آموزش دیده‌ای در کنارشان است. ۱۷ روز طول کشید تا طهرانی مقدم و تیمش خرابکاری را رفع و رجوع و در نهایت بالستیک اسکا‌د خارجی را روانه‌ی پایتخت افسانه‌ای صدام کنند. این اما برای طهرانی مقدم

پاییز سال ۱۳۶۳ زمانی که تیم ۱۳ نفره‌ی جدید در مأموریتی سری عازم دمشق شد کسی تصورش را نمی‌کرد که سرپرست ۲۵ ساله‌ی این مأموریت، بنیان‌گذار رخدادی شود که بعد از ۴ دهه ایران را در زمره‌ی یکی از قدرتمندترین نیروهای موشکی دنیا قرار دهد. یک سال قبل حسن طهرانی مقدم یگان توپخانه‌ی سپاه را تحویل گرفته بود. بعد از انتصاب به فرماندهی توپخانه و صدور مجوز حملات توپخانه‌ای به داخل عراق بود که فهمید امکانات موجود کفاف گوشمالی صدام را هم نمی‌دهد، دشمن‌های بزرگ‌تر که بماند؛ برد توپخانه‌هایی که در اختیار ایران بود به‌زحمت به ۳۰ کیلومتر می‌رسید!

در زمستان ۶۳ موشک‌های وارداتی از یک کشور خارجی به‌همراه تیم خارجی عملیاتی آن تازه از راه رسیده بود که تیم ۱۳ نفره‌ی آموزشی ایران هم از دمشق

الله اکبر، الله اکبر بر این قدرت و توان که نیروهای مسلح ایران بعد از انقلاب برای امت اسلامی آفریدند و پوزه استعمار در منطقه را به خاک مذلت کشیدند. الله اکبر بر این همت والا و ارزشمند که مایه مباهات هویت هر ایرانی است. الله اکبر بر این رهبر

خردمند و فرزانه که با پیروی از مکتب امام حسین (ع) «هیئات منا الله» را فریاد زدند و مستکبران را بر سر جای خود نشان‌دند و مایه دل‌گرمی مستضعفین جهان شدند. زنده و پاینده باد یاد شهدای بزرگ ایران زمین، شهدای مقاومت در هر کجای این عالم هستی.

پیام صوتی آقای
طهماسبی خطاب به
نیروهای مسلح ایران:

سپاه پاسداران
روزگار هرگز از دست

فرزند ایران

جرم او دانش بود و عشق به وطن

در سپیده‌دمی از شهریور ۱۳۵۷ در شیراز، کودکی دیده به جهان گشود که تقدیرش با پرتو علم و خون شهادت رقم خورد، سید امیر حسین فقهی؛ نامی که امروز بر بلندای عزت و دانایی ایران می‌درخشد.

از نوجوانی، شوق فهم راز آفرینش در چشمانش می‌درخشید. پله‌های علم را پیمود؛ از فیزیک در ارومیه تا مهندسی هسته‌ای در امیرکبیر و استادی در دانشگاه شهید بهشتی. اما او تنها استاد نبود، بلکه شاگردی عاشق حقیقت بود که علم را با ایمان درآمیخته بود. دستانش در کار ساخت آینده بود؛ از راه‌اندازی سامانه‌های پرتودهی و تولید رادیوداروهای درمان سرطان تا طراحی دستگاه‌های سنجش پرتو، فولادهای خودترمیمی و باتری‌های رادیوایزوتوپی. او علم را در خدمت زندگی و شفا به کار گرفت؛ دانشمندی که پرتوش دردها را آرام می‌کرد و امید را در دل‌ها زنده نگه می‌داشت.

از نگاه دشمن جرمش عشق به وطن و دانشی بود که برای درمان انسان‌ها به کار می‌رفت. اسرائیل ترور را در از بین بردن نوری می‌دید که از اندیشه‌ی پاک فقهی می‌تابید. بامداد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، پرکشید اما پرتو وجودش در دل ایران ماند.

فاطمه کاوند

بنی آدم اعضای یکدیگرند

یک ایران، همدل است

بوسیدن پرچم مقدس ایران توسط امیرعلی مهربانی بوکسور تیم ملی نوجوانان پس از پیروزی در بازی‌های آسیایی بحرین



نقشه‌راه

کشور دارد حرکت میکند

این جوانهای المپیادی، امروز یک ستاره‌ی درخشانند؛ و ده سال دیگر یک خورشید خواهند شد اگر کار کنند. اصرار بنده این است؛ به مسئولین اصرار میکنم این جوانها را رها نکنید. اکتفا نکنند به آنچه تاکنون به دست آورده‌اند؛ پیش بروند. این «ستاره» اگر پیش برود، ده سال دیگر «خورشید» است. کارهای بزرگ میشود انجام داد. ما البته از اوّل انقلاب این نقش را در جوانهایمان دیدیم. جنگ هشت‌ساله در اوّل انقلاب با کمبودهای فراوان، با دست خالی، به پیروزی ایران منتهی شد؛ چه کسی کرد این کار را؟ جوانها. ابتکارها را جوانها کردند. این وضع میدان نبرد بود؛ در میدان نبرد دانش هم همین جور. امروز جوانهای ما، بعد از گذشت سالها، در بسیاری از مراکز تحقیقاتی در رتبه‌های اوّل تحقیقات دنیا قرار دارند؛ در رتبه‌های اوّل؛ یعنی حداقل در بین ده رتبه‌ی اوّل قرار دارند. جوانهای ما در نانو، در لیزر، در صنعت هسته‌ای، در صنایع گوناگون نظامی، در تحقیقات مهمّ پزشکی کارهای بزرگی انجام داده‌اند... جوانها دارند کار میکنند، کشور دارد حرکت میکند، کشور دارد کار میکند؛ مظهر کار همین شماها هستید. این وضع جوانهای ما است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۴۰۴/۷/۲۸